

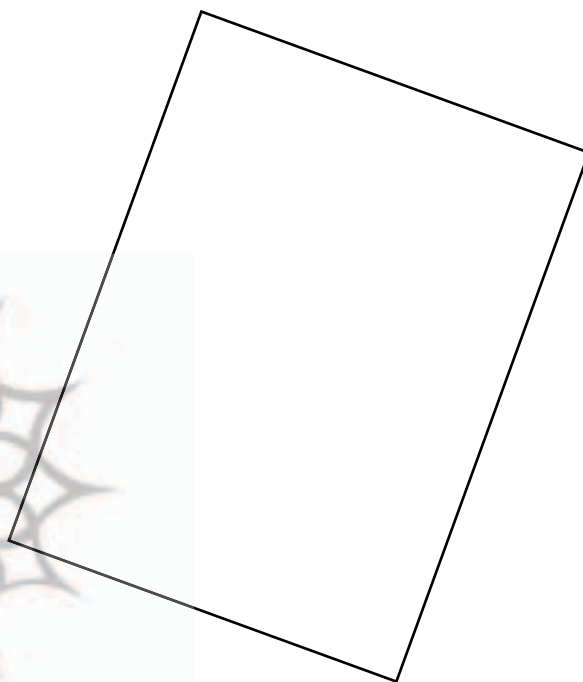
## قرآنیات

ولی قیطرانی

بررسی دقیق و همه جانبه آنها، به اصطلاح خود ایشان، عدم «طغیان قلم» و در عین حال «گزاردن حق تحقیق» (قرآنیات، ص ۱۱) که دست کم موجب تحریک ذهن خواننده برای پی بردن به «دامن دامن» نکته های ظریف و دیرباب موضوعات مورد بحث می گردد و ... ، یک جا و در قالب مجموعه، عرضه گردیده اند.

اما قرآنیات، افزون بر ویژگی های پیش گفته، نوعی توضیح موضوعی قرآن است که «تأثرات» موجه (به دور از همان «طغیان قلم» مؤلف محترم را دربر دارد. بیشترین توجه استاد در کتاب مذکور، به قداست موضوع آن (قرآن) است؛ بدین معنا که سعی بلیغ نموده تا واقعیت جاودانه قرآن بدون هر گونه تفسیر علمی، عرفانی، فلسفی، تاریخی، اجتماعی، بلاغی و ... نمایانده شود (ص ۶۸-۶۹)؛ البته آقای ذکاوتی ادعای «مفسر بودن» ندارد، اما نکاتی که در مقالاتی همچون «فهم قرآن» (ص ۶۷-۸۹) بیان می دارد، نشان می دهد جنبه هدایتگرانه قرآن کریم، نقطه عطف هر گونه تفسیری است؛ از جمله درباره تفسیر علمی (آن هم منطبق با یافته های علوم طبیعی نوین) می گوید: «... البته قرآن، گلاً، ارشاد فرمود که ما در آفاق و انفس بنگریم و در زمین بگردیم و جستجو کنیم و عبرت بگیریم؛ ولی واجب و ضروری نبوده است که تعبیرات قرآنی منطبق با آخرین پیشرفت های تحقیقی در فیزیک و شیمی و ... باشد. گذشته از اینکه خود این پیشرفت ها یکسره دستخوش تحول است ...» (ص ۶۹)، «مسلم این است که در فهم قرآن، نباید چیز دیگری را بر آن تحمیل کنیم» (ص ۱۱۸).

باری قرآنیات شامل سه بخش است: مقالات، شأن نزول ها و ضمیمه، که شأن نزول ها درباره آیات زنان و اهل کتاب و ضمیمه هم در واقع دو مقاله (گزیده) درباره ورقه بن نوفل و سلمان فارسی با ترجمه مطالبی از چند کتاب درباره آنان است. بخش اول قرآنیات با مقاله «خطبات قرآنی با دل و جان خرد انسانی» آغاز می گردد. مؤلف محترم معتقد است: «روی سخن



قرآنیات؛ علیرضا ذکاوتی قراگزلو؛ چاپ اول، تهران: سخن، ۱۳۸۸، ۴۳۸ ص.

از استاد ذکاوتی، بیشتر مجموعه مقالات عرفانی، فلسفی، ادبی، فرقه شناسی و ... با عناوین عرفانیات (۱۳۷۹)، ماجرا در ماجرا (۱۳۸۱)، نکته چینی ها از ادب عربی (۱۳۸۲)، حافظیات (۱۳۸۳)، جنبش نقطویه (۱۳۸۳) و سیر تاریخی نقد ملاصدرا (۱۳۸۶) به چاپ رسیده است. این بار قرآنیات ایشان به زیور طبع آراسته گردیده است. نکته مهمی که درباره کتاب های مذکور باید گفت، اینکه مقالات تألیفی یا گزیده های احتوایافته در آنها، قبلاً در نشریات معتبر درج شده اند؛ اما به لحاظ اهمیت موضوع و قلم سهل (همه فهم) و ممتنع (خواص فهم) و روش مؤلف محترم در انتخاب مطالب و

به نسخه عثمان و کار او رضایت داده اند ...» (ص ۴۳).  
گزیده‌ها و نکته‌های انتخابی استاد از کتاب‌ها همواره جالب نظر  
و مفید بوده است؛ لذا در مقاله بعدی، نکته‌های خواندنی کتاب  
حقایق هامة حول القرآن الکریم، عرضه شده است.

مقاله «اشاره‌ای به واژه‌های دخیل در قرآن» (ص ۵۱-۵۵)  
حاوی توضیحات تاریخی درباره زبان‌های مربوط به واژه‌های  
مزبور است. استاد می‌گوید: «وجود لغات غیر عربی (دقیقاً  
غیر عربی قریش) در قرآن مسلم است و منافاتی با عربی بودن قرآن  
- و «عربی مبین» بودن آن - ندارد. بیشتر لغات دخیل به ترتیب از  
زبان‌های فارسی، سریانی، حبشی و عبری و عربی جنوبی  
(قحطانی) است و لغاتی که فی‌المثل از هندی و یونانی و لاتین و  
قبطی و غیره در عربی قریش و زبان قرآن وارد شده [است]، از  
طریق یکی از پنج زبان پیش گفته بوده است» (ص ۵۱-۵۲).

ارتباط عرب‌ها با ایرانیان، تجارت با اهل شام، همسایگی با  
حبشه، زمینه مشترک عقاید توحیدی ابراهیمی در تورات و انجیل  
و قرآن، هم‌ریشه بودن عربی قریشی با عربی جنوبی و ... علل  
نفوذ زبان‌های مذکور در قرآن ذکر شده است (ص ۵۳)،  
یادآوری مؤلف محترم این است که از افراطی‌گری درباره  
واژه‌های دخیل (مثلاً اینکه «ایرانی» یا «عبری» محض هستند)،  
پرهیزیم و بدانیم «وجود لغت دخیل در قرآن نه تنها ضعف  
نیست، بلکه از نقاط قوت آن است. قرآن به عربی قدرت و  
گنجایش بخشید ... . روش قرآن در جذب و هضم لغات و تغییر  
شکل و مفهوم آنها، مایه توسعه زبان گردید ...» (ص ۵۴-۵۵).  
در مقاله «زبان قرآن» نیز بحث از «عربی مبین» و «لسان قوم» و  
«لغات دخیل» به میان آمده و مطالب تفصیل یافته است (ص  
۵۷-۶۶). درباره فهم قرآن و عدم تحمیل یافته‌های علمی بشری  
بر آن، پیشتر سخن گفتیم، اما در مقاله یازدهم، یعنی «تفسیر  
علمی قرآن» (ص ۱۱۷-۱۲۵) نیز استاد با گفتارها و گزیده‌های  
مناسب از کتاب التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان (احمد عمر  
ابوحجر) مقولات «علم در قرآن»، «تاریخ تفسیر علمی قرآن» و  
هم کسانی که به چنین تفسیری پرداخته‌اند، برنمایانده و خواننده  
را به تفکر واداشته است. در این مقاله می‌خوانیم: «تطبیق قرآن با  
فرضیه‌های علمی از زمانی شروع گردید که مسلمانان در نتیجه  
علوم اوایل با این علوم آشنا گردیدند. تفسیر علمی که به وسیله  
مفسران حکمی مشرب آغاز گردیده، چند هدف دارد: بیان  
معانی آن دسته از آیات که جنبه علمی دارد همراهی کردن با  
افکار خوانندگان آشنا با علوم، استدلال بر اعجاز قرآن.

اما هم از آغاز، این شیوه مخالفانی داشته است، با این  
استدلال که: الفاظ قرآن را باید با معانی عصر نزول فهمید نه

قرآن با انسان است. انسانی که دل دارد، عقل دارد، جسم دارد  
و در جامعه زندگی می‌کند؛ لذا در قرآن هم استدلال عقلی البته  
به شیوه خاص خودش هست، هم سخنانی که دل را برانگیزد و  
هم پاسخ‌های مناسبی به مقتضیات جسم و جان و فرد و اجتماع  
است ... قرآن رهبانیت را نفی کرده و توصیه فرموده که نصیب  
خود را از دنیا فراموش نکنیم» (ص ۱۳). استدلال‌های قرآن  
متنوع است: استدلال عقلی (انبیاء: ۲۲) (ص ۱۴)، طرح  
مسئله (بدون داوری) (زمر: ۹)، توجه دادن به طبیعت و  
موجودات آن (الذاریات: ۲۱) و ... (ص ۱۵-۱۷).

مؤلف محترم در ادامه مقاله، به قصص قرآنی و اهداف آنها  
که بیان سرانجام تبهکاران و خدانشناسان و در نتیجه  
«عبرت گرفتن» می‌باشد، می‌پردازد (ص ۱۸) و می‌گوید:  
«عبرت را در قرآن هم می‌توان از قصص گرفت و هم از گردش  
شب و روز و هم از حیوانات. طبیعی است کسی می‌تواند عبرت  
بگیرد که ببیند، پس خطاب با «اولی الابصار» است (حشر: ۲).  
پس هدف قصه در قرآن، هم عبرت است و هم برانگیختن به  
تفکر. قصه‌های قرآنی حق است و راست و درست (کهف: ۱۳)؛  
و این نکته مهمی است؛ زیرا وسیله باید مناسب با هدف  
باشد» (ص ۱۹-۲۲).

ایشان با استناد به آیه «ام حسبک اصحاب الکهف والرقیم ...»  
(کهف: ۹) معتقد است: «در حقیقت داستان یا مثل یا تمثیل از  
شگفت‌انگیزی و اعجاب‌آمیزی و عبرت‌آموزی «آیه» محسوب  
می‌شود» (ص ۲۳). آن‌گاه با بیان داستان حضرت ابراهیم (ع)  
در قرآن (ص ۲۳-۲۷) آن را رمزی از «سیر اندیشه خداجوی  
انسان از ماده به معنی، از جزء به کل، از ظاهر به باطن، از کثرت  
به وحدت و از ظلمت به نور» می‌داند (ص ۲۶).

در مقاله دوم که عنوان «علم در قرآن» را دارد، بر «ملاک  
ارزشی علم» در قرآن (مجادله: ۱۱)، تخصیص تعقل و فهم به  
علما (عنکبوت: ۴۳)، مبنای علم بر کمیت و عدد (رعد: ۸)  
(ص ۲۹) و نیز توأم بودن علم با تزکیه (جمعه: ۲) (ص ۳۰) و  
جز اینها تأکید شده است. در مقاله سوم (ص ۳۳-۴۵)،  
«گردآوری قرآن به روایت ابن‌شبه»، نظر نهایی مؤلف محترم این  
است که قرآن تدوین شده در زمان عثمان، مورد تأیید علی (ع)  
بوده و «بر روی هم، اکثریت مسلمین، بلکه نزدیک به عموم آنها

بدان معناهایی که در آن زمان رایج نبوده، قرآن برای تبلیغ دین و اعتقاد آمده نه تعلیم علوم، این نحوه تفسیر، آخر به جنگ میان علم و دین می کشد...» (ص ۱۱۸).

در مقاله «فهم قرآن»، آقای ذکاوتی ویژگی های تفسیر از جمله: تأثیر هدف و طرف خطاب تفسیر بر نحوه تفسیر (ص ۶۹)، نظر قرآن درباره «تفسیر» (ص ۷۰)، توجه به شأن نزول ها در تفسیر، علمی یا روایتی بودن تفسیر (ص ۷۲)، احاطه بر تفاسیر کهن (به دور از کهنه پرستی) (ص ۷۳) و مانند آنها را برشمرده و توضیح داده است؛ آن گاه معانی مختلف «تأویل»، «عقل»، «وحي»، «اسم»، «حق»، «آیه» و جز اینها را به طور کامل بررسی کرده است (ص ۷۴-۸۹). گفتاوردی از مقاله مزبور چنین است: «به گمان اینجانب [مؤلف قرآنیات]، معاصران پیغمبر (ص) در فهم مستقیم قرآن، کمتر اشکال و ابهام داشته اند تا نسل های بعد؛ زیرا هر قدر عقاید پیچیده تر شده، برداشت اشخاص از قرآن نیز عمیق شده و پرجنبه تر گردیده است. وانگهی معاصران پیغمبر (ص) هر گاه دچار اشکال می شدند، به پیغمبر (ص) و یا کسانی که پیغمبر (ص) را دیده بودند، رجوع می کردند.

برای فهم قرآن، گذشته از علوم زبانی (لغت، اشتقاق، صرف، نحو، بلاغت) و علم دلالت (اصول و منطق) کلیاتی از تاریخ منطقه و اصول عقاید ملل خاورمیانه و اطلاع دقیق از تاریخ اسلام و شأن نزول، لازم است» (ص ۷۲-۷۳).

مؤلف محترم معتقد است: قرآن در عباراتی همچون: «ملة ابيکم ابراهيم» (حج: ۷۸، خطاب به بنی اسرائیل) و «سقفاً محفوظاً» (انبیاء: ۲۱، در مورد صلب و جامد بودن آسمان) و... «از باب تغلیب و مماشات با آنچه بین عرب ها مشهور بود»، سخن گفته است (صص ۹۱ و ۹۳)؛ و نیز «الرجال قوامون علی النساء» چنان که از شأن نزول آن برمی آید، حکایت امر واقع است در عصر نزول قرآن، نه اینکه لزوم کمال مطلوب از دیدگاه قرآن باشد» (ص ۹۷).

باید گفت در قرآنیات محور سخن بر این است که آیات قرآن و تحقق معانی آنها، برای همه زمان ها و انسان هاست و منحصر به زمان یا تفسیر خاص (عرفانی، علمی، ...) نیست؛ هر چند همین تفاسیر خاص نیز در زمان معینی رواج تام داشته و مورد قبول بوده است.

باری مقالات «بر حاشیة تفسیرها» (مقاله هشتم، ص ۹۱-۹۸) و «تفسیر آیات قرآن در فضایل علی (ع)» به روایت زبیدی «مقاله پانزدهم، ص ۱۵۹-۱۸۱»، حاوی گزیده های مفیدی از تفاسیر درباره موضوعات قرآنی و نیز فضایل

غیر غلوآمیز علی (ع) می باشد.

دو مقاله «ترجمه قرآن آبتی» (مقاله شانزدهم، ص ۱۸۳-۱۹۰) و «پیرامون ترجمه قرآن پاینده» (مقاله هفدهم، ص ۱۹۱-۱۹۹) اختصاص به نکته گیری های استاد در امر ترجمه قرآن، از جهت لغوی (عربی) و نیز حفظ امانت در ترجمه قرآن، جدای از تفسیر و کم و زیاد کردن معانی لغات دارد؛ از جمله: «در ترجمه قرآن و حدیث تا حد امکان و در عین سیاق فارسی، باید مطابقت تحت اللفظی را حفظ کرد؛ و گرنه به صورت شرح و تفسیر در خواهد آمد» (ص ۱۸۴) و «ترجمه نباید موهم معنایی بر خلاف صراحت نص آیه باشد» (ص ۱۹۰).

در «تفسیر مفاتیح الاسرار»، مقاله نهم، ص ۹۹-۱۰۶ و «کشف الاسرار میبدی»، مقاله سیزدهم، ص ۱۵۳-۱۵۸ بار دیگر یادآوری ها و توضیحات محققانه استاد ذکاوتی بر کتاب کشف الاسرار و نیز اسماعیلی بودن شهرستانی - افزون بر آنچه دیگران گفته اند - و بیان علل ترجمه قرآن به فارسی دیده می شود. ایشان می گوید: «از قراین دیگری که به گمان اینجانب بر اسماعیلی بودن شهرستانی وجود دارد، حسن رابطه او با سنجر سلجوقی است که گفته اند شهرستانی «صاحب سر سلطان» بوده است و می دانیم سنجر بر روی هم با اسماعیلیه مماشات می نمود و مسامحه می ورزید...» (ص ۱۰۵-۱۰۶) یا «گذشته از انگیزه دینی در موضع ترجمه قرآن که از همه مؤثرتر است، انگیزه ملی نیز دخیل بوده؛ چرا که شعوبیان معتدل و ایرانیانی که با حفظ ایرانی بودن مسلمان بودند و در عین مسلمانی راستین بر هواریث ایران ارج می نهادند، دوست داشتند کتاب خدا را به فارسی، یعنی زبان خود نیز بخوانند» (ص ۱۵۴).

البته نکات بدیع دیگری در مقالات مزبور وجود دارد که باید به متن آنها رجوع نمود.

اما مؤلف قرآنیات در مقاله «قرآن و آبادی زمین» (ص ۱۰۷-۱۱۶) با استناد به آیات قرآن، بحث مستوفایی پیش کشیده و توضیحات اقناع کننده ای ارائه نموده است. در مقاله مزبور، طبق آیه ۱۶ سوره هود آمده است: خداوند آبادی زمین را از انسان خواسته است و اگر انسان از محدوده الهی تجاوز کند، باید توبه کرده، به خدا بازگشت نماید (ص ۱۰۷) و نیز «اصولاً در جهان بینی قرآن، دین بر تمدن مقدم است...» (شعرا: ۱۴۶)

که به خصوص طرح سؤالات تفکربرانگیز و هم توضیحات تکمیلی ایشان، قابل تأمل و جالب نظر است؛ از جمله: «بعضی گفته اند: «این حروف خصوصیتش این است که خداوند خواسته است به بشر نشان دهد قرآن که معجزه ای جاویدان است، از همین حروف معمولی ساخته شده، مع ذلک کسی نمی تواند نظیر آن را بیاورد. سؤال این است که چرا فقط چهارده حرف را ارائه داده؟» (ص ۲۱۴) و «بعضی گفته اند: حروف مقطعه اشاره است به مجهولات ما، و مقصود از آن لامقصود است... این نظر بدیعی است، الا اینکه لازم است یک سند نقلی و مؤید روایی هم داشته باشد تا دلپذیر افتد» (ص ۲۱۵).

و باز نکات تحقیقی و رهگشای دیگر قرآن پژوهی احتوایافته در قرآنیات: «عده ای تصور می کنند در آیه «قل الروح من امر ربی» (اسراء: ۸۵) روح، معنای همان عامل حیات انسانی در مقابل ماده و جسم است، اما سیاق عبارت و دنباله آیات، حکایت از آن دارد که منظور وحی یا فرشته وحی است...» (از مقاله «بحثی درباره کلمه روح در قرآن»، ص ۲۲۳-۲۲۵). در مقاله مزبور معنای روح در قرآن بررسی شده است.

تلخیص پر محتوایی هم از کتاب های ورقه بن نوفل فی بطنان الجنة تألیف دکتر عویدبن عیاد الکحیلی و طبقات المحدثین باصهبهان ابوالشیخ انصاری و حلیة الاولیاء ابونعیم اصفهانی درباره ورقه بن نوفل پسر عموی حضرت خدیجه (س) و سلمان فارسی، ضمیمه مطالب متنوع قرآنیات شده است. استاد ذکاوتی با روش منحصر به فرد خویش که تحقیق در مسائل شاذ می باشد، در این بخش کتاب نیز آنچه درباره ورقه بن نوفل و سلمان فارسی بوده، یکجا برگزیده است و با تحلیل و اضافات، در اختیار خواننده قرار داده است.

اما بخش میانی قرآنیات، به «شأن نزول ها» (ص ۲۲۹-۳۵۶) اختصاص دارد که شأن نزول آیات مربوط به زنان و اهل کتاب را دربر گرفته است. پیشتر طی گفتاوردی، نظر استاد در اهمیت شأن نزول آیات برای تفسیر قرآن بیان شد؛ لذا در اینجا نیز برای مزید اطلاع خواننده، بخشی از شأن نزول ها آمده است تا آشنایی بیشتری با محتوای آیات مربوطه و علل نزول آنها حاصل آید.

باری کتاب قرآنیات بر روی هم برخی ناگفته های قرآن پژوهی را در قالب نکته های بدیع دربردارد. برای مؤلف آن از خداوند توفیق روزافزون از خداوند خواستاریم. آنچه می ماند اینکه: کتاب پر از غلط های چاپی است؛ طوری که این امر در بعضی جاها به فهم مطلب لطمه زده است. امیدواریم این اثر، در چاپ های بعدی پاکیزه و بدون غلط عرضه گردد.

(ص ۱۰۸). «تمام ساخته های بشر بر الگوی طبیعت است (صافات: ۹۶) و پیروی از الگوهای خدا... حداقل هدایت تکوینی و اگر برای رضای خدا باشد، عبادت تشریحی نیز به حساب می آید» (ص ۱۰۹). «اینکه خدا همه چیز را به عدد برشمرده (جن: ۲۸)... و اینکه خدا همه چیز را به اندازه نازل می کند (حجر: ۲۱/...) و... نشان می دهد آبدی زمین از آن بزرگی جویی و سلطه گری نباید باشد» (ص ۱۱۵).

مرحوم آیت الله معرفت در کتاب شبهات و ردود حول القرآن الکریم به «پنج پرسش یا ایراد عمده در مورد قرآن پاسخ داده» است که بازخوانی و استخراج مطالب مهم آن سوی استاد ذکاوتی، دستمایه مقاله دوازدهم قرآنیات با عنوان «بازخوانی کتاب شبهات...» (ص ۱۲۸-۱۵۱) گشته است که طبق معمول، خواندنی است و نشان دهنده هم سویی دیدگاه های مؤلف محترم قرآنیات و آیت الله معرفت (ره) است. آن پنج ایراد عبارتند از: ۱. قرآن وحی نیست؛

۲. بسیاری از تأثیرات خشن و عقل ناپذیر محیط و احوال و اوضاع جاهلیت در قرآن وجود دارد؛

۳. در قرآن تناقضاتی مشاهده می شود؛

۴. اشتباهات تاریخی و ادبی در قرآن وجود دارد؛

۵. احتمال تحریف در قرآن (ص ۱۲۷-۱۲۸).

گفتنی است مقاله دو صفحه ای «ردّ تأویل تناسخی از قرآن» (ص ۱۵۷-۱۵۸) نیز پاسخ خواجه رشید همدانی در کتاب بیان الحقایق را در ردّ تفسیر تناسخی برخی آیات از سوی تناسخیان، دربر دارد.

همچنین از موضوعات قرآنی مورد علاقه مؤلف محترم قرآنیات، موضوع شق القمر در آیه «اقتربت الساعة والشق القمر» (قمر: ۱) است که طی مقاله ای «نقل قول مفسران درباره شق القمر، ص ۲۰۱-۲۰۹» خواننده را با بعضی دیدگاه های مخالف و موافق (از تفاسیر گوناگون) درباره وقوع شق القمر آشنا نموده است. اما ایشان تنها به موضوع پیش گفته اکتفا نکرده، بررسی معنای «حروف مقطعه» (ص ۲۱۱-۲۱۵)، «سوگندهای قرآنی» (ص ۲۱۶-۲۱۸) و «قرآن و آیین های گذشته» (ص ۲۱۸-۲۲۲) را با استناد به خود قرآن و مسلمات تحقیقی با عنوان «بحث در چند موضوع مهم قرآنی» آورده است